

دست‌درازی هولناک چند مرد به زن مسافر در

اتاقش

10 بهمن 1403

زن جوانی که به حرم امام رضا پناه برده و به هذیان‌گویی افتاده بود، مسافری بود که در تهران قربانی شیطان‌صفتی چند مرد قرار گرفته بود.

تاکسی مقابل پای زن نگه داشت و برای اطمینان از شناسایی درست مسافر گفت: خانم عزیزی؟ زن سر را به علامت تأیید تکان داد و سوار شد. در تمام طول مسیر زن نگران و مضطرب به خیابان‌ها نگاه می‌کرد و مردد بود که مشکلش را با راننده در میان بگذارد یا نه؟ بالاخره تصمیمش را گرفت و گفت: آقا من در تهران هیچ فامیل و آشنایی ندارم. مدارک شناسایی هم همراهم نیست. شما جایی را سراغ ندارید که امشب بدون دردسر و سوال و جواب به من اتاق بدهند؟

مرد از آینه ماشین نگاهی به زن انداخت. به نظر نمی‌آمد که بی خانمان و فقیر باشد. مطمئناً تنها مشکلش مدارک شناسایی بود. حدس زد فراری است و برای اینکه کسی متوجه محل سکونتش نشود دارد خطر اقامت در مسافرخانه‌های بی نام و نشان را به جان می‌خرد. زن فکر کرد سکوت راننده به خاطر پول است به همین دلیل گفت: شما مرا به یک مکان مناسب ببرید من شیرینی شما را علاوه بر کرایه خواهم داد.

راننده گفت: نگران نباش شما هم مثل خواهر خودم. اطراف راه آهن پر است از مسافرخانه‌ها و محل‌های اقامتی که زیاد هم سخت نمی‌گیرند. فقط باید حواست را جمع کنی؛ همان قدر که راحت به شما اسکان می‌دهند، به افراد عجیب و غریب و بی‌نام و نشان و مشکل‌دار هم اسکان می‌دهند. من شما را می‌برم اما امنیت پای خودت است. من چیزی را ضمانت نمی‌کنم.

چند دقیقه بعد تاکسی مقابل ساختمان چند طبقه‌ای نگه داشت و گفت: اینجا است شما همین‌جا باش من بروم و هماهنگ کنم. راننده به داخل ساختمان رفت و چند دقیقه بعد بازگشت و گفت: بفرما خانم. خوشبختانه اتاق خالی دارد. فقط از اینجا رفتی آمار این مسافرخانه را به کسی ندهی.

زن با خوشحالی پیاده شد و همانطور که دور شدن تاکسی را تماشا می‌کرد وارد ساختمان شد. مسافرخانه‌چی زن را به اتاقی در طبقه آخر راهنمایی کرد. در همین حین در اتاق مجاور باز شد و مردی با ظاهر ژولیده با سیگاری گوشه لب سرش را بیرون آورد و به آنها نگاه کرد. زن ترسید اما دیگر چاره‌ای نداشت. به داخل اتاق رفت و بلافاصله در را قفل کرد.

نیمه‌های شب مرد اتاق مجاور به همراه هم اتاقی‌هایش با شکستن قفل وارد اتاق شدند و تلخ‌ترین اتفاقات زندگی‌اش را برای زن جوان رقم زدند. هیچ‌کس جرأت نکرد به کمکش بیاید و همه حتی مرد مسافرخانه‌چی فریادهای زن را نادیده گرفت.

فشار روانی این اتفاق آنقدر سخت و سنگین بود که با طلوع خورشید زن از مسافرخانه بیرون زد و از اولین خودرویی که در خیابان دید خواست او را به ترمینال برساند. سوار بر اتوبوس‌های مشهد، زخمی و دل‌شکسته راهی امن‌ترین جایی که می‌شناخت شد.

فردای آن روز خادمان حرم متوجه حضور زنی با رفتارهای عجیب و غیرعادی در صحن حرم شدند. تجربه تلخی که زن پشت سر گذاشته بود آنچنان وضعیت روحی‌اش را به هم ریخته بود که تا پایش به حرم امام رضا (ع) رسید دچار هذیان‌گویی شد. بلافاصله به بیمارستان روان‌پزشکی منتقل و بستری شد و کسی چیزی از هویتش نمی‌دانست.

تا اینکه پلیس آگاهی تهران با دنبال کردن سرنخ‌ها به مشهد رسید و مریم، زن جوانی که از خانه‌اش در یکی از استان‌های غربی به دلیل اختلافات خانوادگی گریخته بود و راهی تهران شده بود، را روی تخت بیمارستان روان‌پزشکی مشهد یافت.



مرکز مشاوره حال خوب – دکتر رویا درویش پیشه

زن تحویل خانواده‌اش شد و راننده تاکسی و مسافرخانه‌چی و مسافرهای کثیفی که آزارش داده بودند همگی دستگیر شدند و مسافرخانه غیرمجاز پلمب شد. اما زیر سقف یکی از خانه‌های این سرزمین زن جوانی هست که دیگر حتی در آینه تصویر خود را نمی‌شناسد و هیچ مجازاتی برای آزارگران، درمان زخم‌هایش نخواهد شد و گذشته را جبران نخواهد کرد.

کاش زنان و دختران جوان می‌دانستند که فرار راه حل هیچ مشکلی نیست. شاید زندگی خانوادگی شما جاده‌ای ناهموار و سنگلاخ باشد اما فرار، درست مثل این است که به جای ساختن این راه ناهموار یا پیدا کردن مسیر مناسب، با تصمیم و اراده خودتان به درون پرتگاه سقوط کنید. قبل از آنکه با تصمیمات هیجانی زندگی شخصی و خانوادگی خود را به ویرانی بکشانید، از یک مشاور و مددکار کمک بخواهید.

در تمام نقاط کشور مشاورین پلیس در دفاتر اجتماعی کلانتری‌ها در یک قدمی محل سکونت شما حضور دارند و آماده ارائه خدمات روانشناختی به شهروندان هستند.

زنان، شایسته یک زندگی سالم و سرشار از آرامش و خوشبختی هستند. برای هر مساله و مشکلی راه‌حلی وجود دارد. به جای فرار از موقعیت تنش‌زا و آزاردهنده، شجاعانه بمانید و با یاری گرفتن از مشاورین خانواده، به اصلاح شرایط موجود بپردازید.